

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فانوس تنہا

رند می با عشق تو زیباست

نویسنده:

فاطمہ نظری

سرشناسه: نظری، فاطمه، ۱۳۷۴-
 عنوان و نام پدیدآور: فانوس تنها: زندگی با عشق تو زیباست /
 نویسنده فاطمه نظری.
 مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.
 شابک: 978-622-6041-29-4
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: زندگی با عشق تو زیباست.
 موضوع: نثر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: Persian prose literature -- 20th century
 رده بندی کنگره: PIR ۸۳۶۲ ۱۳۹۷ ۱۲ف۴۶ظ /
 بی بی دی: ۸۶۸/۸۶۲
 شماره شناسایی ملی: ۵۴۸۴۱۳۸

فانوس تنها



انتشارات پر

- نویسنده: فاطمه نظری
- صفحه آرایی: منیر علیزاده
- چاپ اول: ۱۳۹۸
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۲۹-۴ ISBN: 978-622-6041-29-4

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخر رازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
 تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰-۶۶۴۶۶۹۶۵-۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

www.ParNashr.ir

مقدمه:

خداوند را با تو آغاز می‌کنم و با تو شروع می‌کنم
ساختن در زندگی به دنبال مشکلات روزمره و سرنوشت خود
هستند.

گاهی به بهرین نوع مراقب میلشان است و خواه یا ناخواه گاهی
برخلاف علاقه و میلشان است در برخی موارد فردی وارد زندگی
شخصی می‌شود که با آن تمام دنیایمان عوض می‌شود انگار به یک
دنیای تازه پا نهاده‌ایم که سعی می‌کنیم آن شخص را کنار خود نگه
داریم چون دوش داریم ولی روزگار در برخی مواقع این اجازه را
نمی‌دهد و ما باید به دنبال گرفتاری و مشکلان داریم گاهی از
شخص که دوش داریم دور می‌شویم و یک احساس تنگنی به
سراغمان می‌آید در این مورد باید بگویم بی‌شک خداوند این است که
به ما صبر دهد و امید که روزی به آن چیزی که می‌خواهیم
می‌رسیم همه‌ی ما دچار یک سری گرفتاری در زندگی هستیم یکی
درگیر اجازه خانه یکی درگیر خریدن لباس فرزندش برای رفتن به

مدرسه و دیگری درگیر بیمارستان و درد و ناراحتی واقعاً انسانها مخلوقات عجیبی هستند که با تمام این گرفتاری و مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند و خودشان را با شرایط تطبیق می‌دهند ای کاش در این دنیا هیچ فرزندی بی‌مهر مادر و پدر نباشد ای کاش هیچ کسی آنقدر درد و ناراحتی نداشته باشد بی‌شک دنیا خیلی زیبا می‌شد اما در موردی که گفتم احساس و دوست داشتن و وارد شدن شخص دیگری در زندگی فرد که او را صد درصد تغییر می‌دهد چگونه درد می‌شود؟ به نظر من این یک اجبار نباید باشد و باید بگذاریم این اتفاق خوش بيفتد تا زیباتر باشد و عشق میان آن دو اتفاق بيفتد.

همه ما روزگار را می‌گذرانیم و سرگرم زندگی‌مان هستیم و بهتر است برای این کار و برطرف کردنش از کسی که آگاهی دارد و می‌تواند به ما کمک کند درخواست کنیم که با ما هم دلی کند و با مشاوره خوب مشکل‌مان را حل کنیم گاه ناخواسته درگیر یک سری گرفتاری و مشکل در زندگی می‌شویم که به دنبال راهی برای رفع آن با افراد متفاوتی حرف می‌زنیم اما بهتر است زمانی که درد و ناراحتی یا مشکلی برایمان پیش می‌آید به خداوند بزرگ متکی باشیم و از او درخواست کمک کنیم که ما را یاری دهد انسان‌ها گاه در زندگی به کسی علاقه‌مند می‌شوند و آن کس را دوست می‌دارند یکی از مشکلاتی که امروزه دامن گیر بیشتر افراد است یک

احساس دوست داشتن است که گاهی یک طرفه و گاهی بر طبق میل و رضایت دو طرف است چه خوب است که آدمها احساس دوست داشتن به هم داشته باشند اما گاهی بعضی مواقع خلاف این چیز می‌باشد و هیچ علاقه و دوست داشتنی بین دو طرف نیست و تنها نقش دوست داشتن و عشق را بازی می‌کنند اما بهتر است بگویم به نظر من عشق یک چیز زیبا و قشنگی است که در زندگی خوب است باشد حال عشقی زیباست که سرشار از خداوند و اهل بیت باشد و ما را به مسیر زندگیمان آشناتر و راه را بهتر به ما نشان دهد گاه کسی را می‌بینم که دم از عشق خود می‌زند و می‌گوید قبلاً کسی را دوست داشتم و آچنان از او تعریف به عمل می‌آورد که کسی همانند او نبوده است باید بگویم که هر انسانی نظری دارد و هرکسی راه و مسیر خود را ادامه می‌دهد و به نظر من عشق باید باعث پیشرفت و تکامل انسانها بشود نه اینکه گفتم در بالا هم بعضی دوست داشتن‌ها یک طرفه و بعضی هم در طرف بر حسب میل و علاقه و شناخت خود فرد و خانواده‌اش به علاقه در طرفی تبدیل می‌شود چه خوشا افرادی که چنین خصلت پاکی دارند اگر بعضی افراد همچنین رابطه دو طرفی و شناخت فرد مورد نظر و خانواده‌اش را داشته باشد کمتر دچار بحران افسردگی و مشکلات روحی می‌شویم اما متأسفانه در بعضی مواقع یک شخص کسی را دوست می‌دارد که از علاقه و دوست داشتن طرف مقابل سوء استفاده می‌کند در این مورد

باید بگویم اگر چه شخصی که از طرف مقابل خوشش می‌آید باید با خود بگوید که اول آیا واقعاً یک احساس عمیق دوست داشتن واقعی را دارد یا فقط ظاهر قضیه را نگاه کرده و یک حس نه چندان واقعی را دارد یا نه اما شخصی که از احساس و دوست داشتن شخص طرف مقابل سوءاستفاده می‌کند باید بداند که روزی هم این سر و دل شکستگی سر خودش هم اتفاق می‌افتد چه بسا بهتر است که او بداند. عرف مقابلمان چه کسی است یا طرف مقابل من را دوست دارد اصلاً خصوصیات شخص خوب است یا نه خانواده بسیار مهم است و شخص باید بداند که آیا خانواده در جریان هستند یا نه چون در بعضی مواقع دو نفر که با هم احساس دوست داشتن و علاقه و عشق می‌کنند می‌گویند کسی باید از رابطه ما خبر دار نشود در حالی که بیشترین ضربه را به خود می‌زنند باید در دنیا عاقلانه فکر کرد و باید بدانیم عشق خوب است که ما را به خداوند بزرگ نزدیک کند چون اوست که می‌داند چه خوب است و چه چیزی خوب نیست.

گاه دچار غفلت می‌شویم و به خود می‌آییم که کسی را دوست داریم و وابسته و دل بسته‌اش شده‌ایم ولی شخص مورد نظر اصلاً توجهی نمی‌کند و از دوست داشتن چیزی نمی‌داند بهتر است به خود بیاییم تا کمتر دچار مشکلات روحی بشویم و بگوییم

که خداوند بزرگی هست که برای تمام دوست داشتن‌هایم بس است.

هوالمشافی: خداوندا تو را چگونه بسرایم که تو پاک‌ترین گل پاک‌ترین نام هستی تو را آنچنان من مات می‌شوم در آسمان که جز نام بر مهر تو نیست در این زمزمه سالار من آسمان را خیره می‌گردم چون شمیم عطر گون بوی گل‌های بهاری لبخند زرد پاییز را باز سر می‌کنم سکوت پراز درد را با تو می‌شکنم ای نام زیبای بستم آغاز می‌کنم با تو آغاز می‌کنم ای سر آغاز آغازهای من.

بوی سبزه زار گلهریت در عالم می‌پیچد بچه که بودم همیشه در دشت به تماشای سبزه زار و گلهای زیبای تو که خلق کرده‌ای برای انسان‌های روی سرزمین نظاره‌گر بودم. بچه آهوئی دیدم که به دنبال مادرش راه می‌رود و در این سبزه زار زندگی می‌کند.

آن زمان با خود گفتم روزی می‌شود که این نوشته‌ها و حرف‌ها را به تصویر بکشم حال کشیدم با نوشتن آن نام را آغاز کردم همه چیز را دیدم هوا تاریک شد کم کم غروب سایه‌اش را انداخت روی این سبزه زار زیبا و قشنگ و پراز راز و رمز و آموی قشنگ که با بچه‌اش به تماشای هم آمدند بی‌گمان خیره گشتم به اطرافم یک آرامش زیبا احساس کردم چشم خود را یک لحظه بستم بوی عطر گلی آمد از استشمام گل و از حیران گل چشم خود را باز

کردم که گل را بینم دیدم آهوی قشنگ یک گل زیبا با دهانش کنده و برای من آورده خیلی زیبا بود دست بر روی آن کشیدم و با بچه‌اش در این دشت به گشت و گذار راهی شدند.

چه زیبا بود و چه زیبا خلق کرده‌ای ای خالق جهان خدا غروب نمایان شد و کم کم غروب بر گونه‌هایم می‌تابید آرام آرام می‌خواستم به خانه برگردم اما تماشای زیبای تو که خلق کرده‌ای مرا تماشا و داشت آنگونه که غرق در آسمان پر از مهر تو گشتم.

شب ستاره‌ها را دیدم که باز هوا تاریک بود اما زیبایی‌های تو هم چنان روشن بود باه‌ها ستاره‌های درخشان، یک آسمان زیبا و پاک و صاف.

ای کاش دل بعضی آدمها صاف می‌رزد با خودشان با دوستانشان با خانواده‌شان با هر کسی که رو بر من می‌سندند صاف و بدون ریا می‌بودند در این صورت دنیا چقدر قشنگ می‌شد! شبها هنگام من ستاره‌ها را نگاه می‌کنم و برایم زیبا و دوست داشتنی هستند واقعاً چه در شب در تاریکی و چه در روز در روشنائی شگفتی‌های تو را می‌بینم و نمایان می‌شود این همه بخشش که به ما کردی ما هر بار که می‌خندیم و هربار که می‌نوازیم اما رسم نوازش را بلد نیستیم و چون تنها ادعا می‌کنیم به آن چیز که بلدییم و فقط تظاهر می‌کنیم

تظاهر به چیزهای که ندیدیم و فقط تظاهر می‌کنیم ادعا کردن همیشه خوب نیست خلقت خداوند زیبا و محبت او بی‌کران است روزی در کنار چشمه‌ای راه می‌رفتم و نشستم خیلی صداهای زیبایی را در گوش احساس کردم خداوند انتخاب کردن کسی که با همه متفاوت است و به چشم من زیباست بسیار قشنگ است چون ای خالق تمام دنیای من با تو به همه چیز یعنی یک دوست خوب رسیدم نه اگر ای خدای بزرگ تو نبودی من نمی‌توانستم برسم و این انسان را درک کنم و این عشق را درک کنم آری خداوند تو مهربان‌ترین این خلق هستی و با تو شروع کردم و با تو این احساس را فهمیدم و در تو ود که مرا به این عشق رسانید چون تو خود خلق کرده‌ای انسان را و این احساس دوست داشتن و عشق را ای بی‌پایان راه و مکان ای آرام دلها خداوند پاک و بخشنده‌ای خالق تمام جهان ای گل‌ترین گل روی زمین صادقانه بدون هیچ بهانه‌ای می‌گویم با تمام وجودم دوست دارم همچنان که کسی قادر به درک کردن نیست ای خداوند بزرگ تو در وصف نمی‌گنجی این صداها که از یارم می‌آید تنها با کمک توست که می‌تواند یک انسان را درک کنم چون تو خود انسان‌ها را دوست داری و امید همه‌ی نا امیدها تنها تو هستی و همه دلشکستگان تنها رو به سوی تو و به آسمان پر از مهر تو نگاه می‌کنند خداوند قدم زدن در مسیر و راه تو چقدر دلنشین و زیباست پروردگارا مرا یاری کن که یارم را بینم

چون از عشق خودت خدایا سرشارم کردی من آنها را دوست دارم
و انسان بودن را و خوب است که همدیگر را درک کنیم همانند یار
من که مرا صدا می‌زند و می‌گوید زمزمه نام من را خداوندا از تو
ممنونم که چنین کسی را گذاشتی سر راه من که مهر و مهربانی‌اش
کنار احساس من بالاتر از عشق و دوست داشتن است خداوندا
به قشنگ است انسانیت و هم راز و دل بودن و فهمیدن حال یار
من که هر بار چشمه رود نشستم دوباره صدایم کن چون به
صدایت باشم عادت کرده‌ام عادت کرده‌ام بالاتر از عشق دوست
داشته باشم.



گاهی باید آنقدر قوی باشی که هیچ شکستی ما را از پای در
نیارود آنچنان خود و به خدای خود امیدوار باشیم که محکم
بایستیم و حتی از ورق زیر دستان ما سر و نازک‌تر اما غیر قابل
شکست باشیم بعضی افراد در زندگی روزمره و مشکلاتی که با آن
مواجه می‌شوند دچار شکست می‌شوند اما باید به جلو ادامه داد و
نباید بشکنیم و دنیا پیش چشم‌هایمان تیره بشود به کمک و
بهرت از هر لحظه شروع کنیم با نام و یاد خدا کار و فعالیت‌های
روزانه‌مان و به سوی آنچه خداوند یاری دهد سو کنیم تا مزه
شکست را از یاد ببریم شکست گاهی خوب است اما گاهی نه
اصلاً شکست برای بعضی افراد یک فرصت برای بهتر بودن و بهتر

تلاش کردن برای ادامه زندگی و حل مشکلات است نه پایان کار و بلکه ادامه فعالیت و زندگی است انسان‌ها گاهی خود را فراموش می‌کنند که چه چیز با ارزشی را به این دنیا می‌توانند اضافه کنند خیلی از وسایلی که ما در دست داریم از جمله همین خودکار همین ورق‌هایی که می‌نویسیم روی آن و نقاشی می‌کنیم و یاد می‌گیریم رسم باهم بودن را چه قشنگ زمزمه می‌کرد معلم که ما یاد بگیریم حب زدن، نوشتن و حتی قلم در دست گرفتن مگر این‌ها را با یاد بردیم نه به ما یاد دادند و این‌ها همه کار انسان‌ها بود و هست ما یاد بگیریم که خیلی قوی و بهتر از قبل حتی از یک روز بهتر از روز قبل هستیم روز به روز باید قوی‌تر استوارتر و محکم‌تر باشیم برآستی این آدها ردند که با تلاش و کوشش و جست و جو در اعماق زمین فرو می‌روند و به تکاپوی موجودات زنده در زمین پهناور و در عمق این رویای پر از راز و رمز فرو می‌روند به راستی این انسان‌ها هستند که کشت می‌کنند و اختراع می‌کنند پس ما باید قادر باشیم که زندگی تنها با یاد دادن بس است و اوست که شکست‌ها را برای ما بی‌معنا می‌کند و راست ما را یاری می‌دهد که محکم‌تر از قبل و قوی‌تر باشیم.



گیر کرده‌ام میان رویای پر از عشق تو گیر کرده‌ام نه اینکه گیر زندگی یا مشکل یا چیزی به من گیر کرده باشد مثل گیر قایق در

کنار ساحل پر از گل و ریگ گیر کرده‌ام نه مثل گیر در یا گیر
 سنجاق به لباس نه دلم در تو در عشق تو گیر کرده است که دیگر
 اصلاً نه راهی برای جدایی هست و نه برای فراموشی به راستی من
 هرگز نمی‌توانم تو را فراموش کنم هرگز نمی‌توانم تو را از یاد ببرم
 در در چشمان من در عمق نفس‌های من گره خورده‌ای که هرگز
 فراموش نمی‌شوی چشمان من به چشم یک زیبای عالم گره خورده
 که در دنیا یک و زیباست بگذار برایت بگویم که اصلاً یک شهر
 رؤیایی و افسانه‌ای بود برای خودش و روزهایی که با تو و با یاد
 تو که در سر دایم و بی‌پرورانم نفس‌هایش را می‌گویم دلم آنچنان
 اسیر چشم و نگاه زیبایش شدگفته بودند بعضی چیزها و خاک‌ها
 دامن گیر می‌کنند آدم را این که فقط مرا دامن گیر نکرد

این یک عشق رؤیایی برد که مرا غرق خودش و از عشق
 سرشار کرد آدم‌ها گاه عاشق می‌شوند و تنها می‌شوند، گوشه‌گیری
 می‌کنند و به دنبال چیزی گاهی می‌گردند که شاید اصلاً خودشان
 هم ندانند و در یک باتلاق عمیق فرو می‌روند و از برق تنهایی و
 جدایی و عشق‌ای کاش در هر جای دنیا اگر کسی را دوست
 می‌داریم او را آنچنان بیشتر از قلب خود بخوایم و به فکرش
 باشیم که دنیا به حیران و تعجب برآید.

و چه بسا خوب است درگیر یک اتفاق زیبا باشیم و یک دوست
 داشتن دو طرفی که شاید این گونه بگویم بهتر باشد کسی را به

خود وابسته نکنیم و اگر این کار را کردیم دلمان هم با او باشد تا کمتر دچار مشکلات روحی شویم و شکست بخوریم.



محبت کردن احساس بسیار لطیف و خوبی است و چون انسان‌ها به محبت و مهربانی باهم نیازمنداند چون کبوتران در آسمان پر از مهر و مهربانی تنها با هم به پرواز هم در کنار یک دیگر سیر خرد را ادامه می‌دهند آری زندگی جریان دارد آن گونه جریان دارد که کسی قادر به درک کردن نیست گاهی بعضی افراد فکر می‌کنند که همه چیز را بلدند گاهی انسان‌ها زود قضاوت می‌کنند به آنچه ندیده‌اند بی‌زهایی که شاید هرگز واقعیت نداشته باشند اما در هر نقطه در هر جای دنیا از مسیر زندگیمان، کارمان دوست داشتن و رفتارمان خداوندی بزرگ و توانا هست که همه چیز را می‌داند و اوست که آشکارا جهان را می‌داند و همیشه در هر جای دنیا ما را یاری می‌دهد به سوی میلا و امان تا خداوند نخواهد هیچ چیز قادر به تغییر نیست و اوست که سرشار از محبت و مهربانی به بندگان خود است ای کسی که آفریدی دنیا و جهان را آنچنان مرا غرق خود کن که جز تو نام کسی را نیاورم تو پاک‌ترین، با محبت‌ترین، مهربان‌ترین و بخشنده‌ترین بخشایش‌گرها هستی. دیشب تمام قد بیدار بودم به آسمان زیبایی نگاه می‌کردم به ستاره‌های قشنگ و خوشرنگ در آسمان خیره شدم چه سکوت

قشنگی، چه آرامشی، ای خدای که همه آرامش‌ها و زیبایی‌ها و قشنگی‌ها از توست ای بی‌پایان راه و مهربان ای آرام دل‌ها و جان تو بیا با من باش که من تنها به آسمان پر مهر تو خیره می‌شوم دلتنگم گاهی آنقدر دلتنگم که تنها یاد توست که آرام می‌کند این دل و من را با تو شروع کردم و با تو شروع کردم و با تو آغاز کردم چون تو زیبایی، نامت زیباست با نام تو شروع می‌کنم.
